

معرفی ۲ کتاب با محوریت قیام سیدالشهدا(ع)
که انگیزه‌های این حرکت را بهتر معرفی می‌کنند

شفاهای نباشیم!

شده‌اند. در ادامه دو کتاب در موضوع عاشورا و محرم سال ۶۱ برایتان معرفی کرده‌ایم. کتاب‌هایی که هرکدام در موضوع خود از زمره آثار موفق محسوب می‌شوند و خواننده را از مطالعه تاریخ دلزده نمی‌کنند. این ویژگی دو کتابی است که در این گزارش به آنها اشاره کرده‌ایم.

راهنمای خوبی برای درک وضعیت عاشورای ۶۱ هجری هستند و می‌توانند ما را در موقعیت بهتری از اطلاعات قرار دهند. در واقع با کتاب‌ها می‌توان دانسته‌های خود را مستند کرد و از بابت آنها و باوری که به آنها داریم مطمئن باشیم. کتاب‌هایی که هم از روند اتفاقات حرف زده‌اند و هم از شرایطی که منجر به اتفاق

ما از عاشورا چه می‌دانیم؟ درباره حرکت امام حسین(ع) چقدر اطلاعات داریم؟ وقتی می‌خواهیم درباره این ماجرا حرف بزنیم چقدر متکی بر شنیده‌ها و چقدر متکی بر مطالعات مان هستیم؟ کتاب‌ها

مصطفی وثوق کیا
روزنامه‌نگار

هم‌قدم با کاروان سیدالشهدا(ع)

«ما مردمی با فرهنگ شفاهی هستیم» احتمالا این جمله را بارها از زبان افراد مختلف شنیده و به عمق آن پی برده یا نبرده‌ایم و بی‌تفاوت از کنارش رد شده‌ایم. ما مردمی هستیم با فرهنگی شفاهی در واقع گویای این واقعیت است که ما کمتر به متن مکتوب رجوع داریم و دانسته‌هایمان بر اساس شنیده‌هایمان است. شاهد این حرف هم قوت داشتن شایعه در میان ماست. در واقع آن قدر که به شایعه و نقل‌های شفاهی بها می‌دهیم به نقل‌های رسمی و دقیق ارزش نمی‌گذاریم و این مساله هم برای امروز و دیروز نیست و ریشه در تاریخ ما دارد. در واقع این يك رفتار تاریخی است که تبدیل به يك فرهنگ شده است. در ماجرای عاشورا هم این ماجرا صادق است. حتما از خودتان می‌پرسید یعنی ما درباره قصه کربلا به شایعات بیشتر دامن می‌زنیم تا نقل‌های معتبر و رسمی که باید گفت نه به این معنا، در واقع ما اطلاعات مان از ماجرای شهادت سیدالشهدا(ع) و یارانسان آن قدر که مبتنی بر نقل‌های شفاهی است، مبتنی بر نقل‌های مکتوب و مستند نیست. آن قدر که از عبارت «شنیده‌ام» در مکالمات مان استفاده می‌کنیم از عبارت «خوانده‌ام» استفاده نمی‌کنیم. در واقع ما بیشتر آن چیزی که درباره عاشورا و سال ۶۱ هجری و گودال قتلگاه و اتفاقات منتهی به روز دهم محرم می‌دانیم از منبرهاست و کمتر متکی به مطالعه شخصی و مستند خودمان است. این حرف به معنای بی‌اعتبار یا محکم نبودن سخنان گفته‌شده بر روی منابر نیست، بلکه نکته این است که ما آن قدر که روی شنیده‌های خود پافشاری می‌کنیم روی خوانده‌های خود استوار نیستیم، چون اغلب چیزی در چننه نداریم. باز هم تاکید می‌کنم نقل قول‌های منبرها آن هم منابری که ساعت‌ها برای يك جلسه يك ساعته آن مطالعه شده، غیرمعتبر نیستند، بلکه حرف از يك فرهنگ است که به آن می‌گوییم فرهنگ شفاهی!

حالا برای این‌که از این به بعد مقداری هم روی عبارت خوانده‌ام تاکید کنیم يك کتاب روان و ارزشمند معرفی می‌کنم تا در ماجرای تاریخ کربلا دقت بیشتری صرف کنیم و بیشتر بخوانیم. «آینه در

کربلاست» پژوهشی نودر ماجرای عاشورای حسینی است که دکتر محمدرضا سنگری آن را تالیف کرده و باید آن را يك روایت تاریخی از این واقعه برشمرد که مؤلف کوشش کرده با استفاده از منابع متعدد روایتی جامع از ماجرای قیام سیدالشهدا(ع) ارائه کرده و هر خواننده‌ای بتواند با آن ارتباط برقرار کند. سنگری در این کتاب به هیچ وجه پیچیده و دشوار سخن نگفته است. کتابی که علاوه بر جامعیت و مستند بودن، زبان ساده آن جلب توجه می‌کند و برخلاف کتب هم‌سنگ خود از زبان سنگین و دشوار مرسوم در این میان این قبیل آثار، در آن استفاده نشده است. این کتاب از پیش از مرگ معاویه آغاز می‌شود و قدم به قدم با زمان پیش می‌رود.



پشت پرده عاشورا

«من برای اصلاح امت جدم قیام کردم»، «من برای احیای امر به معروف و نهی از منکر قیام کردم» و... جملاتی است که در بیان اهداف قیام حسینی از زبان سیدالشهدا(ع) مطرح می‌شود. جملاتی که در روزهای عزاداری و بزرگداشت این حماسه نیز بر در و دیوار نصب شده و به عنوان اهداف این حرکت اصلاحی و احیاگر اسلام بیان می‌شود. اما این پرسش مطرح است که ریشه‌های این قیام چه بود و چه اتفاقاتی در جامعه افتاده بود که اباعبدالله...الحسین(ع) دست به این حرکت زدند. این در حالی است که پیش از ایشان دو امام دیگر نیز بوده‌اند، ولی این قیام در نوع خود حرکتی رو به جلو و تاریخ‌ساز محسوب می‌شده که نه تنها سابقه نداشته، بلکه ثمره آن تا امروز دیده می‌شود و درخت اسلام را مادام‌العمر آبیاری کرده است. در این زمینه نیز ما جز نقل‌های شفاهی چیز زیادی درباره انگیزه‌های قیام نمی‌دانیم و وقتی سخن از اصلاح امت پیامبر(ص) توسط امام حسین(ع) می‌شود جزئیات زیادی از آن نمی‌دانیم یا وقتی حرف از امر به معروف و نهی از منکر توسط ایشان می‌شود ما دامنه‌های آن را نمی‌بینیم و احتمالا چون به امام حسین(ع) و حرکتشان ارادت داریم خیلی دنبال اصل قصه نمی‌رویم و به همین مقدار راضی می‌شویم و گذشت می‌کنیم. در واقع باز هم فرهنگ شفاهی غلبه دارد و ما بر اساس شنیده‌ها از انگیزه‌ها و اهداف این حرکت مهم تاریخی حرف می‌زنیم و یاد می‌کنیم و خودمان را با آثار مکتوب در این زمینه درگیر نمی‌کنیم.

مرحوم آیت... آقا مجتبی تهرانی در سلسله سخنرانی‌هایی با محوریت «سلوک عاشورایی» تلاش کردند تمایانی، اهداف، انگیزه‌ها و علل این قیام را تشریح کنند و مؤسسه تنظیم و نشر آثار ایشان نیز آنها را به صورت متن مکتوب درآورده و با مستند کردن سخنان و پانوشت زدن بر آنها در واقع اثری قابل اتکا برای اهل تحقیق فراهم آوردند تا مخاطب با زبانی ساده به علل و انگیزه‌های این قیام پی ببرد و با آن آشنا شود. جلد دهم یا همان «منزل دهم» این مجموعه شرحی است بر خطبه منا که امام حسین(ع) آن را پیش از مرگ معاویه در منا ایراد کرده بودند و مخاطب آن نیز بزرگان و نخبگان جامعه آن روز بوده است. مرحوم آیت... تهرانی در این کتاب زمینه‌های بیان این خطبه از سوی حسین بن علی(ع) و محورهای آن را تشریح کرده و نشان داده‌اند که این سخنان در چه شرایطی بیان شده‌اند. در واقع این کتاب نشان می‌دهد شرایط جامعه در موقعیتی که معاویه در قید حیات بوده به چه شکلی بوده و با جانشینی یزید به چه شکلی در آمده که نتیجه آن منتهی به عاشورا و قیام سیدالشهدا(ع) شده است. این کتاب شرح دقیق و البته غیرطولانی خوبی برای درک شرایط زمانه امام حسین(ع) است که به مخاطب کمک می‌کند راحت‌تر در جریان اتفاقات کربلا ۶۱ هجری قرار بگیرد.

